



پیام رحمان حسین زاده به: کارگران ذوب مس و مردم خاتون آباد و شهر بابک کرمان

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

کشتار کارگران و مردم

شهر بابک در استان کرمان

باید با عکس العمل

وسیع روبرو شود

خاتون آباد استان کرمان حمله کرده است. تعداد زیادی از کارگران و مردم در این حمله وحشیانه کشته و زخمی شده اند. ابعاد جنایت چنان وحشتناک است که مسئولین رژیم را به تکاپو انداخته است که مسئولیت این جنایت را به نیروی نامعلومی منتسب کنند. اما مردم جانیمان و مسئولین این قتل عام وحشیانه را به نام و اسم و رسم می شناسند. آنها تک تک سران رژیم جنایت اسلامی اند.



محمد آسنگران

رژیم اسلامی ایران با نیروهای گارد ویژه و هلیکوپتر و انواع دارودسته نظامی به مردم شهر بابک و مجتمع ذوب فلز در

صفحه ۳

و نمادهای بردگی زنان، را با سرکوب و اعمال ترور و اختناق به مردم تحمیل کرد. زنان و کودکان قریبانیان رژیمهای اسلامی و احزاب مذهبی هستند. اسلام سیاسی در مبارزه با ممنوعیت حجاب و مظاهر مذهبی بعنوان یک هیولای سیاسی و یک نیروی هار و فوق العاده خطرناک در میدان سیاسی و نبرد قدرت است. حزب کمونیست کارگری در کنار مردم آزادیخواه در اروپا با فعالیتهای پیگیرانه تبلیغ و ترویج و اشاعه بنیانهای فکری کمونیسم کارگری در دفاع از ممنوعیت حجاب و نمادهای مذهبی در مدارس و محیطهای کار و آموزش و پرورش، تلاش پیگیرانه و فعالی را شروع کرده است. حزب کمونیست کارگری با هرگونه حمایت دولتی در کشورهای مختلف از اسلام و جریانات اسلامی و هر نوع مشروعیت دادن و قانونیت بخشیدن به سنن و تحمیلات اسلامی، نظیر حجاب اسلامی، آموزش و پرورش اسلامی، سوسید به مساجد و دستجات اسلامی بشدت مبارزه میکند. دوره کنونی فضای مبارزه با مظاهر مذهبی، دخالت در مصافها، جدلها و مباحث ایندوره پیرامون ممنوعیت حجاب و مظاهر مذهبی بخشی از پروژه حزب در این رابطه است. در اروپا، یکی از رویدادهای یکی دو ماهه گذشته که نظر همگان و بویژه دو جبهه و قطب سیاسی در جامعه را رو در رو قرار داد، مساله ممنوعیت روسری در مدارس

صفحه ۴



نسان نودینیان

مبارزه علیه مظاهر مذهبی، فضای سیاسی جامعه در اروپا را فرا گرفته است. مظاهر مذهبی باید از مدارس و محیطهای آموزش و پرورش جارو شوند. مذهب و اسلام سیاسی باید در منگنه فشار و انزوا توسط جامعه آزادیخواه و سکولار، قرار گیرد. کودکان باید از قید و بند مذهب در محیط آموزش و پرورش، رها شوند. این وظایف اکنون در صدر فعالیتهای عملی، و سیاسی کمونیسم کارگری، قرار دارد. حزب کمونیست کارگری حزبی سکولار و مدرن و سوسیالیست و ضد اسلام سیاسی است. حزب کمونیست کارگری به صرف "اپوزیسیون و ضدامپریالیست" ظاهر شدن اسلام سیاسی سرسوزنی از ارتجاعی نامیدن و ضدانسانی خواندن این جنبش کثیف کوتاه نیامده است. جامعه ایران مذهبی نیست، اما دولت مذهبی جمهوری اسلامی مذهب

تاکتیکهای مبارزاتی

مردم ایران از خرداد ۷۶ تا تحصن نمایندگان مجلس

عبدالله کهنه پوشی صفحه ۲

عبدالله مهتدی و جلسات معارفه فدرالیسم قومی

ایرج فرزاد صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر- ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال: سیاوش دانشور

پیام رحمان حسین زاده

به کارگران و مردم آزادیخواه کردستان!

رژیم جنایتکار اسلامی تحصن و اعتراض برحق کارگران ذوب مس خاتون آباد و مردم شهر بابک کرمان را به خون کشید. در این واقعه چهار تن به نامهای مومنی، مهدوی، جاویدی، و ریاحی جان باختند و دهها نفر دیگر زخمی شدند. همینجا به کارگران ذوب مس کرمان و خانواده و بستگان عزیزان جانباخته همدردی خود را اعلام کرده و تسلیت میگویم. تعرض نظامی مزدوران جمهوری اسلامی در این ابعاد و کشته و زخمی کردن تعداد زیادی از انسانهای شریف و زحمتکش این جامعه تنها به جرم حقیقتی و اعتراض به فقر و ناداری، نشانه قدرت رژیم جانی اسلامی نیست، بلکه عجز و نگرانی جانپان اسلامی را از گسترش اعتراض کارگران و مردم حق طلب ایران میرساند. قلدری نظامی و ارباب نمیتواند سد کننده تحرک اعتراضاتی باشد که میروند سراسر ایران را در نوردد.

کارگران و مردم آزادیخواه کردستان!

از تحصن و اعتراض کارگران ذوب مس در استان کرمان باید حمایت کرد. یاد جانباختگان این

مبارزه حقیقتطلبانه را باید گرامی داشت. اکنون دوره اعلام همبستگی و همگامی و حمایت بخشهای مختلف کارگران و مردم معترض از همدیگر است. جا دارد هر اعتراض و مبارزه حق طلبانه با بیشترین حمایتها و همگامیها در سراسر ایران روبرو شود. از کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان، معلمان، و از تشکلهای و نهادهای رادیکال و مردمی موجود در شهرهای کردستان میخواهم با صدور پیام همبستگی، بابرگزاری اجتماعاتی در گرامیداشت عزیزان جانباخته، با انتشار تراکت و اعلامیه و هر ابتکار و شیوه و تجربه‌ای که هست، یاد این عزیزان را گرامی بدارید، و حمایت خود را از مبارزه و مطالبات کارگران مس استان کرمان و شهر بابک اعلام کرده و جمهوری اسلامی را محکوم کنید و خواستار معرفی و محاکمه دستور دهندگان و عاملین این جنایت شوید. دور نیست آن روزی که سران و همه جنایتکاران ریز و درشت جمهوری اسلامی محاکمه و جوابگوی اعمال جنایتکارانهشان در بارگاه مردم شوند.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ بهمن ۱۳۸۲

۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

موضوع را توضیح میداد، اما هدف مردم در راستای تلاش و مبارزه خود آنها علیه رژیم بود. مروری کوتاه به فلسفه پدیده دوم خرداد و شرایط و اوضاع و احوال سیاسی ایران دلیل انتخاب تاکتیکهای مردم را توضیح میدهد. بعد از جنگ ایران و عراق و کشتار و قتل و عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ و پس از مرگ خمینی، تعرض و مبارزات مردم خشمگین علیه ماشین کشتار و جنایت رژیم هار و وحشی اسلامی آغاز و هر روز در گوشه ای در محیطهای کار و در شورشها و عصیانهای شهری خود را نشان میداد. در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی این مبارزات هر بار وسیع تر و خشمگینانه تر از قبل اتفاق می افتاد و خطری جدی رژیم را تهدید می کرد. در نتیجه شدت و وسعت گرفتن این مبارزات و فشار آن از یک سو و شکل و

شیوه برخورد و مقابله با آن از سوی دیگر در میان بنیان گزاران جمهوری اسلامی و سازمان دهندگان سپاه پاسداران و اطلاعات و دستگاه سرکوب، شکنجه و جنایت اختلاف افتاد. جناحی فکر میکردند که جمهوری اسلامی را مینویسند با روشهای دوران عروج رژیم اسلامی حفظ کنند، یعنی با ادامه کشتار و سرکوب آشکار و بستن شمشیرها از رو در مقابل مردم ظاهر شوند، اما بنظر عده ای دیگر بهانه جنگ و "خطر تهاجم اجنبی" تمام شده بود و آن شیوه های گذشته نه تنها نمی توانست کار ساز باشد بلکه حتی نمیتوانست برای رژیم بمراتب خطرناک باشد و رژیم را لخت و عریان و بدون حفاظ در مقابل مردم بجان آمده بشدت ضربه پذیرتر می ساخت. این اختلافات تا انتخابات خرداد ۷۶ ادامه پیدا کرد و هر چه مبارزات مردم اوج می گرفت اختلاف بین جناحها شدت بیشتری می یافت. از قول بازگان نقل کردند که گاری وقتی به سربالائی می رسد اسپه همدیگر را گاز می گیرند. اما فشار مبارزات مردم کار از گاز گرفتن اسپه را به جاهای باریکتری میکشاند. این دو شیوه تقابل با مردم، کاندیداهای خود را معرفی نمودند ناطق نوری کاندید جناح طرفدار کشتار و سرکوب عریان و خاتمی کاندید جناح فریب وحیه و لیخند به لب بود. ناگهان تمام معماران کشتارها و نسل کشیهای دوره های پیشین، سازمان دهندگان وزارت اطلاعات و بازجویان و شکنجه گران زندانهای مخفی و علنی و حکام شرع دادگاههای صحرائی و مسئولین انقلاب فرهنگی و کشتار و قتل عام دانشگاهها، یک شبه مدافع "مردم سالاری اسلامی" و دگراندیش از آب درآمدند و سر از پروژه اصلاحات در آوردند و پشت سر شاگرد و دست پرورده امام و مسئول ستاد تبلیغات جنگی در دوران جنگ هشت ساله صف بستند. مردم هم می دانستند که هنوز ماشین سرکوب قدرتمند است و به آن تناسب قوا رسیده اند که کل رژیم را هدف تعرض خود قرار دهند در نتیجه اکثریت آنها آگاهانه و با انتخاب این تاکتیک که آتش جنگ و اختلافات بین دشمنان خود را شعله ورتر کنند تا در لابلای این شکاف و اختلافات بتوانند امر مبارزاتی خود را پیش ببرند، دست رد به سینه ناطق نوری کاندیدای جناح وابسته به "رهبر" زدند. از آن پس مردم مبارزات خود را در پوششها و تحت حفاظتهای دیگری گسترش دادند، روزی توقیف روزنامه سلام و روزی بازداشت روزنامه نگاران دوخردادی و روزی دیگر حکم اعدام آغاچاری.

سر گذاشته اند. لازم به گفتن است این رد صلاحیتها هم برای دوم خردادها نباید زیاد جای نگرانی باشد زیرا هنوز جناح دیگر بکلی از آنها دست نکشیده و هنوز بخشی از کارا ایشان را برای نظام به رسمیت می شناسد، آنهم بیبازی گرفتن و حفظ بخشهایی از اپوزیسیون ملی مذهبی است و بهانه ای هم در مقابل دولتهای غربی و به بازی گرفتن بیشتر آنها است. مردم به کل این بازی ها واقفند و به ریش بازیگرانش با خونسردی تمام می خندند.

قطعاً رژیم اسلامی تلاش خواهد کرد در شرایط بن بست بازی جناحها و کشمکش آنها برای جستجوی راه بقا، به نقطه تعادلای جدید و حتی تجدید آرایش دیگری روی آورد. در این میان آنچه که مهم است این است که با تنگ شدن میدان مانور جدال جناحهای رژیم، مردم از شکاف عمیق شده خود و کل رژیم بهره گیرند و با میدان آوردن صفوف عظیم خود رژیم اسلامی، این غده چرکین بر پیکر جامعه ایران، را کنار زنند و به سقوط بکشانند. جلوه های مبارزات کارگران که گوشه ای از آنرا در اعتراض بخون کشیده کارگران معدن مس خاتون آباد و مردم شهر بابک کرمان شاهد بودیم، اعتراض به فقر و فلاکت و حکومت مشتی انگل و مفت خور اسلامی، تدارک مبارزات وسیعتر معلمان و دانش آموزان و دانشجویان و مبارزه برابری طلبانه زنان برای گسستن زنجیر اختناق آپارتاید جنسی، طلیعه زیر کشیدن رژیم اسلامی و پایان کابوس حکومت خونین و جنایتکارانه اسلام سیاسی را نوید میدهد. پرچم آزادی، برابری و غلبان مبارزه برای برپائی جامعه ای شاد، برابر، آزاد و مرفه و خوشبخت، امید بنای جامعه نوینی را بر ویرانه های جمهوری اسلامی در قلب میلیونها مردم ایران زنده کرده است. □

کمک مالی به کمیته کردستان

کمکهای جمع آوری شده توسط رحمان حسین زاده

۱- آوات سعید

و دکترکامران

۳۰۰۰ کرون

۲- رثوف امین

۱۵۰ دلار استرالیا

۳- آسو کمال

۵۲ پوند

گزمه های ناموس مردسالار کردی

عبدالله مهتدی و جلسات معارفه فدرالیسم قومی

ایرج فرزاد

در مصاحبه ای که اخیراً تلویزیون "لحظه" با عبدالله مهتدی، دبیرکل ویرچوال سازمان زحمتکشان، داشت، کسی به نام "تسرن" از یک جای نامعلوم سوالی را برای عبدالله مهتدی "فاکس" کرده بود. سوال این بود:

"من زنی هستم که در جریان انشعاب سال ۱۹۹۹ به دنبال فریبکاریهای منصور حکمت به حزب کمونیست کارگری پیوستم. طی این مدت آنها مرا از هرگونه شخصیت و انسانیت خالی کردند و تا نتوانستند از من استفاده کردند. تحت عنوان عشق آزاد باعث جدائی و از هم پاشاندن خانواده ام شدند. من الان از این جماعت متنفر هستم. آیا راه بازگشت من به کومه له وجود دارد یا خیر؟ من چندین خانواده را میشناسم که اینها همین بلا را به سرشان آورده اند"

پاسخ جناب مهتدی: "من ایشان را نمیشناسم که از نزدیک پاسخ خیلی مشخص به ایشان بدهم، ولی متأسفم از سرنوشتی که ایشان دچارش شدند. ولی متأسفانه امثال ایشان زیاده و ایشان تنها نیستند، در هر

سیاسی با حزب کمونیست کارگری و "افشاگری سیاسی" نشده اند. بحث را به جوانب "فساد اخلاقی" و لکه دار کردن "عفت عمومی" کشانده اند که عرصه و حربه آشنائی در کمپینهای ضدکمونیستی است. اسامی تیرباران شدگان در جمهوری اسلامی و اتهامات آنها را در دادگاههای شرع لیست کنید تا فلسفه این سوال و جواب و علت کناره گیری و نفرت پراکنی چهره سوم مهین صادقی از حزب کمونیست کارگری و تقاضای پیوستن به سازمان ایضا چهره چندمی امین صادقی را متوجه شوید. این ادامه کمپین دوران عروج اینها و پر کردن صفحات باقیمانده اوراق هویتی سازمان زحمتکشان و همزمان سیمای فدرالیسم قومی آنهاست. و تمام داستان، فعلاً و تا بازشناسی این پدیده شیرین با این هویت و ثبت آن در دوائر اصلی تر ضدکمونیست، همین است. فلسفه اینکه هنوز که هنوز است در دوران "بازسازی" میخکوب شده اند، قدرت و نفوذ مطرح بودن هویت انسانی در جامعه و تاثیر و حرکت جریان کمونیسم کارگری در همه عرصه های زندگی مردم است. اینها در همین حاشیه و تا پایان عمر مفید مجرای اصلی تولیدشان یعنی جریان وابسته به جلال طالبانی، پنهانی، با روی گرفته و چادر و حکال لای دندان، با لجن ارتجاع و نفرت قومی

نفس میکشند. اما آینده ای ندارند، چون منشا و منبع قدرت آنها میراست و فرو میپاشد. اما با اینحال، واقعاً جالب است که کسی مثل عبدالله مهتدی، که تازه وقتی این سوی پرچین بود و هنوز داشت خواص نردبان کمونیسم را برای عروج به منصب یک ناسیونالیست مزمزه میکرد، و با آن سابقه مراسم فتودالی اشرافی عقد و نکاح و ازدواج و دهل و زنا، بیاید از مظهر حفظ عفت کردی و نجات از "تهاجم فرهنگی" عشق آزاد دفاع کند. آن سابقه درخشان و گفته امروز دو روی یک سکه اند و به هم چفت میشوند و ورژن انصاراللهی و ثاراللهی قوم پرستی سازمان زحمتکشان در عرصه "فرهنگ" و ازدواج و جدائی و عشق و نفرت به تدریج در ادبیاتشان نسج میگیرند و جا باز میکند. جناب مهتدی به دنبال جلب نظر برای سازمان زحمتکشان است، پاسخ او به فاکس ارسالی مشخص کرده است که نقطه اتکا و منبع تغذیه سازمان ایشان، فرهنگ پدر سالاری و فرهنگ قاتلین امثال فادیمه و پلا و هیشو است. آن موجودات هم برای حفظ عفت و پاکدامنی "زن کرد" و حفظ اصالت خون کردی و مرز بندی خونین با "عشق آزاد"، فرهنگ عهد عتیق و روسای ایل و عشایر را بعنوان اصالت فرهنگی "خلق کرد" مینا گرفتند و آدم کشتند. عبدالله مهتدی بی پرده و صریح و وقیح

بیرون ریختن جوهر نفرت پراکنی سازمان زحمتکشان بعنوان نیروی فالانژ و آماده اجرای سناریوهای پاکسازیهایی قومی و ملی، با الهام از فرهنگ و میراث

کشتار کارگران و مردم...

(ادامه از صفحه ۱)

و کل شهر به حالت تعطیل در آمده است. جنگ و گریز خیابانی هنوز در جریان است و مرتب مردم معترض بازداشت میشوند، به شکنجه گاهها برده میشوند، و مورد تهدید و اذیت و آزار قرار میگیرند.

رژیم اسلامی یک جنگ تمام عیار را به مردم این شهر تحمیل کرده است. این توحش اسلامی نباید بی پاسخ بماند.

کارگران مجتمع ذوب مس خاتون آباد و مردم شهر بابک در دفاع از حق زندگی و علیه فقر و بیکاری، علیه تعرض نیروهای جنایتکار رژیم اسلامی مقاومت و تعرض متقابل را سازمان دادند. این مردم شایسته وسیعترین حمایت و پشتیبانی هستند.

کارگران، جوانان، مردم آزادیخواه ایران!

رژیم اسلامی سرمایه داران ایران

بابک و کارگران خاتون آباد، جنایت رژیم اسلامی را در این شهر محکوم کرده اند. و از مطالبات کارگران حمایت خود را اعلام کرده اند.

لازم است مردم و همه مجامع کارگری و تشکلهای مترقی به انجا مختلف کشتار مردم شهر بابک را محکوم کنند و خواهان محاکمه عاملین و آمرین این جنایت بشوند. این بار باید مردم ایران همانند همیاری و اعلام همبستگی با مردم بم، در ابعاد وسیع به یاری مردم شهر بابک و کارگران مجتمع ذوب مس در خاتون آباد بشتابند. باید کاری کرد که همبستگی و اتحاد کارگران و مردم را یک بار دیگر به نمایش گذاشت. تنها سلاح و قدرت مردم قدرت اتحاد و همبستگی شان است. اینبار باید رژیم اسلامی اوپاشان را چندین قدم به عقب نشینی وادار کرد. این امکان هست. رژیم در وضعیت

ترین دوران خود بسر میبرد یک تعرض همه جانبه را باید سازمان داد. حزب کمونیست کارگری در پیشاپیش این اعتراضات تلاش میکند در ابعاد جهانی نیز حمایت گسترده کارگران و مردم مترقی را به دفاع از مردم شهر بابک و کارگران ذوب مس جلب کند. نباید اجازه بدهیم که اوپاشان اسلامی یک بار دیگر امکان تعرض به مردم را بیابند. اینها را باید به عقب راند. اینها را باید از قدرت ساقط کرد. مردم ایران و قبل از همه کارگران ایران امروز این وظیفه تاریخی بر دوشان قرار گرفته است که با انداختن رژیم اسلامی نوید دهند دنیایی برابر، انسانی و مرفه باشند. امروز و بلافاصله باید باتمام توان به یاری مردم شهر بابک و کارگران ذوب مس بشتابیم. صف ما محرومان یک صف وسیع و میلیونی است باید جامعه در همه ابعادش این صف انسانی

آزادیخواه و حق طلب را ببیند. جنایتکاران و حاکمان اسلامی حامیان و دلسوزان خودشان را دارند. از سپاه پاسداران و ارتش و حزب الله، و بسیجی تا رفسنجانی و خاتمی و خامنه ای و همه سران ریز و درشت این حکومت همراه و حامی یکدیگر هستند. صف کارگران و مردم ایران در مقابل این جنایتکاران لازم است و باید خود را سازمان دهد. حزب کمونیست کارگری باید پرچم این صف و ابزار اتحاد و چسب درونی این صف باشد.

زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران و مردم ایران با کارگران و مردم شهر بابک و خاتون آباد کرمان

۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

◀◀ گزیده های...

جلال پائین نمی رود، و برخلاف صابونی که به شکم مبارک زده اند، حالا حالاها تبدیل به پول و چک و وجیه از طرف سازمان های مزدور شناس و اجیر کن ضدکمونیست، آنهم از کانال سوم، نمیشود.

در هر حال یک باند دست ساز جریان منفوری مانند اتحادیه میهنی جلال طالبانی، همسنگر و دست بوس و کاسه لیس همیشه دون پایه ترین ماموران اطلاعاتی و امنیتی دول منطقه، و کسی که اساسا با شل کردن سر کیسه بودجه های ادارات مرزی سازمانهای جاسوسی دول منطقه برای بازی دادن در شکافها، طی سالها و وبال گردن مردم کردستان عراق بوده است، کسی که تا آخرین دقایق سقوط صدام، مشی و دیپلماسی کردی اش را بر مبنای مذاکره و "مفاوضه" با رژیم بعث تنظیم کرده بود، آری این جریان مزدور و چکمه لیس دولتهای سرکوبگر منطقه "واقعی" است، نیرواست و دمکراتیک و اصالت کردی دارد و از آن

دراماتیک تر اینکه یک عده از قوم و فامیلهای دوست و مشاور همین جلال طالبانی که به کمک او سازمان زحمتکشان و دفتر هواداران "مام جلال" را در سلیمانیه عراق ساختند، دارای ریشه در میان مردم کردستان ایران معرفی کنند! فلسفه این خاستگاه و نقطه حرکت، ضدیت و نفرت آنان از کمونیسم و مشخصا کمونیسم کارگری است. مصادره نام کومه له توسط این باند، و ظاهر شدن به نام کومه له در خدمت همین هدف است: ثبت و تحمیل یک سازمان آزادیبخش کوسوو، اما نوع کردی آن. هدف از بازسازی و کمین "بیرون آمدن از حزب کمونیست ایران" و اعلام موجودیت سازمان نفرت از کمونیسم کارگری همین بود. اینکه تاریخ کومه له را به نام و بعنوان یک سازمان "کردی" بازنویسی کنند و جناب صلاح مهتدی در مسند "شخصیت کرد" و البته رهبر معنوی پشت پرده سازمانی دیپلوماسی، تاریخ کوسوو و مقدونیه، و در اوج تعجب سازندگان آن، از صحنه

رادیکال و سوسیالیست!! اما، و فقط یک اما، در همه حال "کردی" روایت کند و بند ناف آترا به جریان و سکت فئودالی اسلامی "کومه له ژ. ک" (در دوران طلائی قاضی محمد) وصل کند مطلقا و تصادفی نیست. این روایات و تفاسیر بخش تاریخ نگارانه ساخت و راه اندازی سازمان کردی ارتش آزادیبخش کوسوو است. ما اجازه نمیدهم این منشا عروج سازمان زحمتکشان از چشم مردم و هر نیروی سیاسی، چپ و یا راست، پنهان بماند. کمونیسم اجتماعی تر و با نفوذتر از آنست که بشود با یک مشت طلبه حوزه قوم پرستان و محل تجمع جانوران قتلتهای ناموسی و هواخواهان آنها، حزب نفرت ضدکمونیستی را حتی سرپا نگاه داشت. این میکربهای عفونی بسیار زودتر و سریعتر از سلف خود، مکتب قرآنیهای مفتی زاده، و پسر عموهای سقط شده در یوگوسلاوی سابق، ارتش آزادیبخش کوسوو و مقدونیه، و در اوج تعجب سازندگان آن، از صحنه

جامعه کردستان لایروبی خواهند شد. در اولین روزهای پیروزی مردم و به اهتزاز درآمدن پرچم آزادی و برابری، امثال جلال طالبانی بخاطر همدستی با ارتجاع اسلامی و راه اندازی و سرهم بندی یک جریان ضدکمونیست و فالانژ نفرت پراکنی قومی، با قرار تعقیب قانونی و اعلام جرم مردم پیروز روبرو خواهند شد. اجازه تکرار سناریو یکه تازی احزاب وجریانانقومی عشیبه ای کردستان عراق را در ایران نخواهیم داد. متعصبین فرهنگ قتلتهای ناموسی و جنایتکاران خنجر و قمه بدست حامی آداب و رسوم مردسالاری قومی عشایری کردی را در میان مردم متمدن و پیشرو و جامعه شهری کردستان جانی نیست. مکانیسم جامعه مدرن و امروزین، سازمان زحمتکشان را در کنار غارها و اشکوتها و بقایای مقبره شیوخ و روسای ایلپاتی در همین مرحله بازسازی، منجمد و فریز خواهد کرد.

۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

جدال کمونیسم کارگری با مذهب و اسلام سیاسی جبهه مهمی از فعالیتهای ما را شکل میدهد. کمونیسم کارگری در ایندوره در افشا مذهب و در دفاع از ممنوعیت حجاب و مظاهر مذهبی به مرکز توجه مردم اروپا از اسکاندیناوی تا اروپای مرکزی تبدیل شد. حمایت صمیمانه مردم در شهرهای برلین و کلن از شعار و مطالبات و اکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان آزادی زن که در دفاع از ممنوعیت حجاب و مظاهر مذهبی انجام گرفته، جبهه مردم آزادیخواه را به کمونیسم کارگری پیوند داده و رهایی از چنگ اختاپوس مذهب و اسلام سیاسی در ایران تقویت کرده است. عرصه جدی مبارزه ما علیه جمهوری اسلام به انزوا کشاندن اسلام سیاسی در کل منطقه و اروپا است. مبارزه برای ممنوعیت مظاهر مذهبی ضربه سنگینی به اسلام سیاسی در ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران مردم آزادیخواه و انساندوست و مدافعان آزادی و برابری را به مقابله قاطع با ارتجاع اسلامی فرا میخواند. به کمیتههای حزب در خارج کشور علیه اسلام سیاسی و در دفاع از ممنوعیت مظاهر مذهبی پیبوندید و صف ما را تقویت کنید.

۲۶ ژانویه ۲۰۰۴

تظاهرات که از بیشتر کشورهای اروپایی اسلامیستها با بسیج زنان محجبه در دفاع از روسری ارگانیزه کرده بودند، گزارشی منعکس نشد. در یک همه پرسی که از طریق سایت انترنتی آن. ت. فاو" از موافقان و یا مخالفان سمبولهای مذهبی در مدارس انجام شد، با شرکت حدود پنجهزار نفر ۵۷ درصد مخالف وجود سمبولهای مذهبی در مدارس و ۴۳ درصد موافق، بودند.

در بحث ممنوعیت روسری در مدارس و محیطهای آموزش و پرورش تحرک اسلامیستها، از همه بیشتر بود. مسجد و مراکز مذهبی اسلامیه، با نشان دادن عکس العملهای فوری مساله ممنوعیت روسری را به محور تبلیغات و سازماندهیشان تبدیل کردند. اسلام سیاسی و مذهب اینبار در کشورهای اروپایی به مصاف طلبیده شده اند. رویداد غیر انسانی و تراژیک تروریسم اسلام سیاسی در ۱۱ سپتامبر، به اسلام سیاسی بعنوان منشا تروریسم در جهان امروز افکار عمومی را عوض کرد. طالبان در افغانستان، پرونده حاکمیت سیاه و پر از جنایت جمهوری اسلامی در ایران، با اعدام و سنگسار و قصاص و شلاق زدن جوانان در ملاعام و خلق آویز کردن زنان و مردان در اذهان عمومی و سر چهار راه ها، افکار عمومی را در برابر اسلام سیاسی و تروریسم

بعد از اعلام موضع "شتوبر" خواستار برابری حقوق همه ادیان در جامعه شد، و اخیرا مخالفتش را با ممنوعیت روسری در مدارس اعلام کرده است. دستگاه مذهبی یهودیان در این گپرو دار که در آلمان توسط فردی به اسم "شپیگل" نمایندگی میشود نیز از ممنوعیت مظاهر مذهبی انتقاد کرد و از مرکزیت دستگاه مذهبی کاتولیک مخالفت با ممنوعیت تمام نشانه های مذهبی در مدارس، اعلام شد. و هراسان اعلام کردند که بحث ممنوعیت روسری در مدارس میتواند تمایلات غیر مذهبی کردن جامعه را بالا ببرد. یکی از کاردینالهای کلیسا از واتیکان در یک موضوعگیری شدیدالحن اعلام کرد "باید همه جا صلیب حمل شود". دستگاه مذهب و ارتجاع و استبداد مذهبی در یک کر هماننگ علیه ممنوعیت مظاهر مذهبی بسیج میشود. استبداد اسلامی در چنین موقعیتی با تحرک بیشتری ظاهر میشود.

افکار عمومی و میدیا، خارج از مواضع احزاب سیاسی و کلیسا، در مخالفت با مظاهر مذهبی و روسری در مدارس، تحرکات جریانات اسلامی و تظاهرات آنها را با عدم خوشنودی از تحرکات اسلامی ها در کشورهای مختلف منعکس کردند. و در مواردی مثل تظاهرات اسلامیه در کلن آلمان که در ۲۴ ژانویه برگزار شد، سکوت کردند. و از این

جنایتکاران قتلتهای ناموسی و ثبت نام بعنوان جریانی متعصب خالص "کردی" و البته ضدکمونیست، از اهداف دیالوگها و مصاحبه ها و تورها با این "هموطن کرد" است. جناب مهتدی عامدانه اصرار دارد که بگوید راه اتحاد عمل با هر نیروی، اسلامی و راست و سلطنت طلب، حزب دمکرات و اکثریت و یا هر سازمان دیگر "کردی" در منطقه را باز گذاشته اند، همه این موارد همکاریهای جاری و یا محتمل، فصول باز در رهبری دفتر هواداران جلال طالبانی است. اینجا هدف این است که گفته شود، به ویژه رو به جریان راست طرفدار غرب و بویژه آمریکا، که نیروی و سازمانی اعلام موجودیت کرده است که هویت خود را "منزوی" کردن کمونیستها قرار داده است و یا اگر چنین نیستند، داوطلب ثبت نام در کمپین حاشیه ای کردن کمونیستهاست. و این لقمه بزرگی است که از گلوی لک لکهای نشسته بر بام "مام"

صدای دیگر!

(ادامه از صفحه ۱)

بود. ممنوعیت حجاب از فرانسه شروع شد و در آلمان "شروود" بعد از مدتی اعلام کرد که ورود زنان معلم با روسری در مدارس ممنوع اعلام شود. در آلمان مساله ورود مظاهر مذهبی فراتر از حضور آموزگاران محجبه است و هزاران کودک و نوجوان دختر در اسارت مذهب با حجاب و روسری به مدارس میروند. ممنوعیت روسری در فرانسه به بحث مهمتر ممنوعیت مظاهر مذهبی در مدارس، نه روسری و نه صلیب کشیده شد. قانون اساسی آلمان سکولار نیست. دست مذهب در دخالت در شئون زندگی محدود نیست. حمل صلیب نماد مذهبی ممنوع نیست. و سردمداران مملکتی و دولتی و احزاب سیاسی از حمل این نماد مذهبی دفاع میکنند.

پیرامون مساله مظاهر مذهبی، موضعگیریهای متفاوت و قطبی مطرح شد. "شتوبر" رئیس ایالات بایرن در جنوب آلمان و از حزب سوسیال مسیحی از احزاب اپوزیسیون دولتی در آلمان، در مقابل ممنوعیت روسری در مدارس اعلام کرد که صلیب بعنوان "شانه خاک آلمان" باید در مدارس و محیطهای آموزش و پرورش، بماند. "یوهانس راو" رئیس مملکت آلمان